

تمنای رفتن

مهاجرت به خارج در میان ذهنیت ایرانی

بهرداد عربستانی

www.ketab.ir



سرشناسیه

عنوان و نام پدیدآور

عربستانی، مهرداد، ۱۳۴۷ -

: تمثای رفتن: مهاجرت به خارج در میان ذهنیت ایرانی/مهرداد عربستانی.

مشخصات نشر

: تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

: ۲۵۳ ص.

فروست

: جامعه‌شناسی.

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۱۴۰-۶

وضعیت فهرست نویسی

: فیبا

عنوان دیگر

: مهاجرت به خارج در میان ذهنیت ایرانی.

ضوع

: ایران -- مهاجرت

موضوع

: Iran -- Emigration and immigration

موضوع

: مهاجرت -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع

: Emigration and immigration --

Psychological aspects

موضوع

: ایرانیان -- کشورهای خارجی

موضوع

: Iranians -- Foreign countries

موضوع

: ایران -- مهاجرت -- جنبه‌های اجتماعی

موضوع

: Iran -- Emigration and immigration -- Social aspects

شناسه افزوده

: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

رده بندی کنگره

: ۱۳۹۷/۱/۷۸۷

رده بندی دیویی

: ۳۲۵/۲۵۵

شماره کتابشناسی ملی

: ۵۲۲۰۸۱۶



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: تمثای رفتن: مهاجرت به خارج در میان ذهنیت ایرانی
نویسنده: مهرداد عربستانی (استادیار گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران)

صفحه‌آرا: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۳۰ هزار ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۱۴۰-۶

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۲ - ۱۴۱۵۵، تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳، دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: nashr@ricac.ac.ir

فهرست مطالب

۱	سخن ناشر.....
۳	پیشگفتار.....
۹	فصل اول: پرسش از خواست مهاجرت.....
۹	مسئله مهاجرت: دغدغه‌ای حائز اهمیت بین ذهنیت ایرانی.....
۲۳	فصل دوم: مهاجرت و سوژه آرزومند.....
۲۴	دغدغه مهاجرت و مهاجران: چرایی و چگونگی.....
۳۰	چارچوب مفهومی مختار.....
۴۹	ذهنیت در مطالعات فرهنگی و اجتماعی.....
۵۸	گردآوری اطلاعات و تحلیل.....
۶۸	فصل سوم: ذهنیات و خطورات.....
۷۳	فصل چهارم: آرزوی رفتن.....
۷۴	تمایل به مهاجرت.....
۸۱	مهاجرت و تحصیل.....
۸۹	مزایای رفتن.....
۹۳	مهاجرت نخبگان.....

۹۷.....	فصل پنجم: گریختن
۹۸.....	اضطرار اقتصادی، معیشتی و اشتغال
۱۰۹.....	فشار برای خروج
۱۱۷.....	امتناع لذت
۱۲۵.....	فصل ششم: دغدغه‌های اخلاقی
۱۲۶.....	تعارض اخلاقی
۱۳۰.....	ناسازگاری اخلاقی در «دیگری»
۱۳۷.....	فصل هفتم: امان
۱۵۲.....	پل و مانع
۱۴۴.....	توهم نسبت به خروج
۱۵۱.....	فصل هفتم: برگشتن
۱۵۲.....	بازگشتن یا بازنگشتن
۱۵۶.....	مهاجران و میهن
۱۶۱.....	جمع‌بندی و سخن آخر
۱۶۹.....	فهرست منابع
۱۷۷.....	ضمائم
۱۷۹.....	آرزوی رفتن
۱۹۷.....	گریختن
۲۱۵.....	دغدغه اخلاقی
۲۱۹.....	نرفتن
۲۳۸.....	برگشتن
۲۴۳.....	نمایه

پیشگفتار

تردیدی نیست که جابه‌جایی و تغییر مکان زندگی، همیشه نقطه عطفی در مسیر حیات انسانی ایجاد می‌کند. تجربه‌ای که با درجات متفاوتی از سرشتن، حسرت، شوق، قطع و یا تغییر شبکه‌های ارتباطی همراه است. تجربه‌ای که به اینکه جابه‌جایی تا چه حد حاوی عنصر تصمیم‌آزادی یا فشار خارجی باشد، می‌توان آن را تحت عناوینی مانند مهاجرت، تبعید، اخراج و آوارگی قرار داد؛ مقولاتی که تمایز بین آن‌ها، همیشه اسرارآمیز است. اگر مهاجرت را جلای وطن، اختیاری قلمداد کنیم، تبعید و اخراج را همراه با درجاتی از فشار برای ترک وطن بدانیم، ماهی با مهاجرت‌هایی مواجه‌ایم که حاوی مقادیری از اضطراب و نگرانی و مرزهای مهاجرت اختیاری و اخراج را در هم می‌ریزند، مانند تبعیدهای خودخواسته، یا مهاجرت به خاطر تهدید امنیتی و یا ترس از پیگرد و آزار. در اینجا به‌طور خاص موضوع مهاجرت، به‌عنوان امری متضمن تصمیم و خواست انسانی مد نظر است، خواستی که چنان‌چه اشاره شد، می‌تواند منبعث و متأثر از نوعی اضطراب یا فشار نیز باشد. هم‌اکنون روی است که تأکید را در

اینجا بر ذهنیت^۱ و تشخیص^۲ خواهد بود، یعنی فرد به عنوان مفسر مدرکی که در درون شبکه‌ای از برساخته‌های اجتماعی و فرهنگی موجود قرار گرفته، آن‌ها را تفسیر می‌کند و در تعامل با آن‌ها علایق و آرزومندی‌اش برای آینده پیش رو را پی می‌گیرد. چنین تعبیری از ذهنیت، درحالی که انسان را محصول گذشته‌ای می‌داند که در آن نقش نداشته، ولی او را تنها کارگزار بازتولید گذشته نمی‌بیند، بلکه وراکنشگری می‌بیند که از خلال تفسیر تجربه گذشته، آینده را بر اساس سبب و منبث از این تفسیر می‌سازد.

مانند مورد که جابه‌جایی و مهاجرت، شروع دوران جدیدی در زندگی و تمدن است، در سطح اجتماعی نیز جابه‌جایی‌های گروه‌های انسانی با تعبیرات فرهنگی و شروع دورانی متفاوت از گذشته همراه بوده‌اند. از نظر ساطع دینی، اخراج آدم و حوا از بهشت ابتدایی، منشأ پیدایش تمدن انسان بوده است. از این نظر، وضعیت انسانی حاصل یک هبوط یا اخراج از به جایی است، و این روایت تلویحاً راه‌رهایی از وضعیت بشری را نیز راهی معکوس برای برگشت به بهشت و قرب الهی می‌داند. غیر از این، مسطوره وضعیت انسانی، در سنت‌های تاریخی یهودی-مسیحی-اسلامی نیز مهاجرت، مضمونی محوری در روایات صدر دین بوده است که موقعیت فعلی پیروان یک دین را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر خروج^۳ بنی اسرائیل از مصر به رهبری موسی (ع) به سمت زمین وعده، منشأ شکل‌گیری دین و سنت یهودی است. همین‌طور شروع دعوت عیسی (ع) و گرویدن اولین پیروان و حواریون نه در موطن وی در ناصره، بلکه در جلیل و پس از حرکت او به این مکان رخ

1. Subjectivity

2. Personhood

۳. Exodus: همچنان نام کتاب دوم اسفار خمسه موسی (ع)

می‌دهد و حتی عیسی (ع) آشکارا از عدم توفیقِ خود در موطن‌اش در ناصره این گونه گله می‌کند: «نبی بی حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش» (متی، ۵۷: ۱۳). حال اگر تأسی به مسیح را به عنوان گونه‌ای از سلوک مسیحی قلمداد کنیم، دو عنصر مهاجرت و دعوت می‌تواند سر مشقی مسیحی برای رستگاری باشد، چنانچه آرمان تبلیغ دین در مسیحیت که شامل اعزام مبلغان و هیئت‌های تبلیغی به سرزمین‌های دیگر و زندگی مبلغان در بین این مردم است، تبلور تأسی به جنس سر مشقی است. نقش مهاجرت در سنت اسلامی نیز چنان در شکل‌گیری امت و جامعه اسلامی حائز اهمیت قلمداد شده است که می‌توان به پی‌بردن از مکه به مدینه و تشکیل جامعه اسلامی به عنوان مبدا تاریخ مسلمانان انتخاب شده است. در سنت دینی صابئین مندائی نیز نقطه‌ای از تاریخ این قوم-دین و شکل‌گیری امروزی‌ن دیانت با مهاجرت این مردم از حوالی اورشلیم به میان‌رودان و مناطق اطراف آن در حدود ده هزار سال پیش گره خورده است (عربستانی، ۲۰۱۲).

تمدن امروزی‌ن دو قاره از پنج قاره جهان، یعنی تمام کشورهای قاره آمریکا (شامل آمریکای شمالی و جنوبی) و قاره اقیانوسیه، حاصل مهاجرت اقوام عمدتاً اروپایی‌تبار و سپس اقوامی از دیگر مناطق جهان، به آمریکا و اقیانوسیه (بیش از هر جا به استرالیا و زلاند) است. این مهاجرت‌ها که در فاصله زمانی نه‌چندان دوری صورت گرفته‌اند، به‌خوبی به‌لحاظ تاریخی مستند شده‌اند. در عین حال روایات و باورهای دیگری هم وجود دارند که علی‌رغم قدمت و عدم ثبت دقیق تاریخی، همچنان به عنوان سرمنشأ پدید آمدن تمدن‌های نو قلمداد شده‌اند. مانند نظریه مهاجرت یا حمله «هند آریایی‌ها» به جنوب آسیا و اروپا در هزاره دوم پیش از میلاد و اثر آن بر شکل‌گیری تمدن‌های آسیای جنوبی و

غربی و اروپا.

مهاجرت و جابه‌جایی همیشه با احساسی از «شروع مجدد» و درانداختن «طرحی نو» همراه است. در عمل نیز این جابه‌جایی‌ها افکندن طرحی نو و شروعی مجدد را منجر شده‌اند؛ اگرچه نتایج این مهاجرت‌ها همیشه کاملاً در انطباق با آمال و آرزوهای پیش از مهاجرت مهاجران نبوده‌اند. درواقع تصمیم به مهاجرت، نوعی رافکنی آرزومندی به سرزمینی دیگر است که سوژه امید دارد در آنجا آرامش و آسایش را محقق سازد.

آمان، رؤیای آمریکایی^۱ نیز علاوه بر اینکه سرمشق ملّی ایالات متحده آمریکا قلمداد می‌شود، برای مدت‌های مدیدی در عین حال آرزوی بسیاری از مهاجرانی بوده است که به شوق تحقق رؤیای ای‌شان به ایالات متحده کوچیده‌اند. شاید معروف‌ترین نمونه از رؤیای آمریکایی را بتوان در جملات جیمز ترازلو آدامز^۲ (۱۸۶۸-۱۹۴۹) یافت:

رؤیای سرزمینی که در آن زندگی برای هرکسی باید بهتر و غنی‌تر و کامل‌تر باشد، و همه متناسب با توانایی و دستاوردهای‌شان فرصت داشته باشند [...] این صرفاً رؤیای اتومبیل و دستمزد بالا نیست، بلکه رؤیای نظامی اجتماعی است که هر زن و مردی در آن بتواند به بالاترین منزلتی دست یابد که در آن توانایی‌اش را دارد، و اینکه دیگران به خاطر آنچه که هست، و آنچه به شرایط اتفاقی تولد یا موقعیت، به رسمیت شناخته و پاداش کنند (آدامز، ۲۰۱۲: [۱۹۳۱]: ۲۱۵-۲۱۴).

نویسندگان اعلامیه استقلال آمریکا نیز اموری مثل برابری تمام انسان‌ها، حقوق غیرقابل سلبی را که خالق به انسان‌ها اعطا

1. American Dream

2. James Truslow Adams

کرده است. از جمله حق زندگی، حق آزادی و حق جست‌وجوی شادکامی. را اموری بدیهی فرض کرده‌اند (کنگره، ۱۷۷۶). این تأکید بر توانایی فردی و کوشش به‌عنوان پیش‌نیازهای ارتقای اجتماعی، در مقابل منزلت‌های ارثی و طبقاتی، چیزی است که در بطن این «رؤیا» قرار دارد و موضوع آرزومندی بسیاری از کسانی بوده است که سرزمین مادری‌شان را به دلیل مضیقه‌ها و انسدادها ترک کردند. به سمت ایالات متحده کوچیده‌اند.

به این ترتیب، تقریباً در هر مصداق دیگری از مهاجرت و کوچ، نوعی آرزومندی، رؤیا و امید در کار است. وقتی رواج این مهاجرت کوچ در جامعه‌ای مشخصاً مشاهده می‌شود، یا تمایل به ادامه چرخه گفتمانی واضح رواج می‌یابد، آن زمان است که می‌توان به این رؤیاها یا آرزومندی‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری‌شان در میان آن‌ها پرداخت. با چنین نگاهی، واقعیت اجتماعی مورد بررسی، واقعیت جامعه اجتماعی به‌عنوان سوژه‌ای تفسیرگر و آرزومند است؛ به عبارتی واحد بررسی میان‌ذهنیتی، یا ذهنیتی است که در تعامل با واقعیات اجتماعی شکل گرفته و آرزویی را برای آینده در خود پرورانده است.